



اگر نبخشید، چه خواهد شد؟

بار دیگر قسمت دوم داستان متی ۱۸: ۲۳-۳۵ را بخوانید. در اینجا میبینیم غلامی که بدهی اش بخشیده شده بود، دوستی را میبیند که آن دوست به او چند صد یورو بدهکار است. غلام نمیخواهد غرض دوستش را ببخشد. زمانی که پادشاه این را میشنود، بار دیگر دستور دستگیری غلام را میدهد. پادشاه غلام را به جلادها واگذار میکند. این داستان به خوبی نشان می دهد که اگر شما بخشیده شده باشید، ولی حاضر به بخشش دیگری نباشید، چه اتفاقی خواهد افتاد. در علم پزشکی رابطه ی واضحی بین برخی بیماریها و عدم بخشش وجود دارد. اگر شما نمی خواهید یا نمی توانید ببخشید، امکان این هست که به این طریق عصبانیت، تنفر و تلخی بوجود آید. نتیجه آن میتواند باعث بیماری در جسم شما شود.

از راه کلمات، رفتارها و یا اتفاقات دردناک، ما میتوانیم بوسیله بندهای نامرئی روحانی به اشخاصی که درد به ما وارد کرده اند متصل شویم. شما بطور آگاه یا ناخودآگاه، مرتباً به آن شخص یا اتفاق فکر میکنید. گاهی اوقات خواب آنرا می بینید. یا سعی می کنید هیچکس از آن موضوع آگاه نشود و یا دائماً درباره آن صحبت می کنید. به همین دلیل مهم است که روند بخشش را درک کنید و آنرا بکار بگیرید.

بخشش چیست؟

هر بار که شخصی آگاهانه یا ناآگاهانه دردی به ما وارد کند، در قلب ما زخمی بوجود می آید. این زخم خود را بدین صورت نشان میدهد:

- (۱) درد احساسی، که از آن طریق عصبانیت و غم بوجود می آیند. شما قربانی آنچه دیگران در حقتان انجام داده اند میشوید.
- (۲) نیاز مقابله به مثل: شخصی به شما بدهکار است، چرا که به شما آسیبی وارد کرده. آسیب ارتباطی، احساسی، جسمانی و یا مادی. او به شخص آزرده بدهکار میشود.

شخص آزرده شاکی میشود (کسی که از دیگری تقاضای پس گرفتن چیزی را دارد)، شخص مرتکب خطا بدهکار میشود (کسی که چیزی مقروض است).

مثال ۱

شخصی با اتوموبیلش، با اتوموبیل من برخورد میکند. خسارت کاملاً قابل رویت است. همچنین من بسیار ترسیده ام و عصبانیم از اینکه چرا او توجه نکرده است. اکنون به اتوموبیل من آسیبی رسیده که خرج آن باید داده شود. همچنین شوکی احساسی نیز وارد شده، که به دلیل آن شبها کابوس میبینم و مدام به آن شخص فکر میکنم. خسارت به معنی قرضی است که آن شخص باید پرداخت کند. شوک احساسی نیاز به بخشش دارد.

بچه ای در تربیتش به نا حق کتک میخورد. از این طریق درد احساسی بوجود می آید. حقی که یک بچه در تربیتی پر محبت دارد، نقض شده. در اینجا صحبت از قرضی است که با پول پرداخت نمیشود. به روشی اشتباه تنبیه شده و در جایی که نیاز بوده، محبت داده نشده. در اینجا بخشش به معنی، رها کردن درد احساسی وارد شده و حس جبران و تقاص بجای مانده است، پس بخشیدن بدهی احساسی.

افسیان ۴: ۳۲ ب

شرایطی هستند که شما از حقتان برای جبران شدن خسارت وارد شده استفاده می کنید. بطور مثال به اتوموبیل آسیب دیده فکر کنید: شما میتوانید درخواست کنید که خسارت وارد شده پرداخت شود. یا به کسی فکر کنید که به او آسیب فیزیکی رسیده؛ او میتواند شخص آسیب زنده را به دادگاه احضار کنید.

اگر آسیب وارد شده به شما پرداخت نشدنی باشد، آنوقت چه؟ خدا میداند که آسیب وارد شده، درون شما را میشکند. انتقام و تلخی میتوانند انسان را مادام العمر زندانی نگاه دارند. محبت خدا میخواهد ما را کمک کند. روح القدس میتواند زخمهای ما را شفا دهد. او متخصص شفای دردهای قلب است. خدا میداند که بخشش میتواند شما را باز آزاد کند. برای آزاد شدن بطور کامل و شفا یافتن باید بخشش انجام شود، حتی اگر شخص بدهکار به شما قرضش را پرداخت نکند و یا به زندان نیافتد.

چرا بخشیم؟


شما به وسیله بخشش آزاد میشوید و حق قضاوت را به خدای پدر میدهید. شما شاکی باقی نمی مانید، چرا که حق درخواست مجازاتتان را می بخشید. بدین صورت در قلب شما آزادی درونی می آید. خدا قاضی شرایط است. به یاد داشته باشید که خدا عادل است. او به شما این فرصت را داده تا از قضاوت او آزاد شوید و فیض او را بجای مجازات دریافت کنید. شما بخشش دریافت کرده اید. پسر او برای گناهان شما مرد. او این فرصت را به کسی که به شما آسیب زده و درد وارد کرده نیز خواهد داد. خدا به بزرگترین گناهکار این موقعیت را میدهد که فیض او را دریافت کند و از آن راه بخشش را بدست آورد.


چند سال پیش دوستی پسرش را به خاطر یک حمله وحشیگرانه از دست داد. به پسرش شلیک شده بود. مجرم دستگیر شد و به دادگاه احضار شد. مثلاً دوست من با عصبانیت، غم و تلخی درونش کشتی می گرفت. در دادگاه ثابت شد که متهم واقعاً مجرم است. حکم دادگاه اعلام شد. مجرم باید به زندان انداخته میشد. حال که مجازات تعیین شده بود، دوست من می دانست که او چه گناهی را باید ببخشد. این چیزی است که او به مجرم و به قاضی نیز گفت. او قاتل را بخشید. دوست من هنوز بخاطر از دست دادن پسرش غم دارد، اما دیگر بخاطر تنفر، انتقام و یا تلخی آزار نمی بیند. او در قلبش آزاد است.

آشتی

زمانی که بخشش انجام شود، این بدان معنی نیست که بین طرفین خود بخود آشتی صورت می گیرد. آشتی باید از دو طرف بیاید. اگر هر دو طرف بخواهند ببخشند و بخشش را دریافت کنند، در آنصورت این امکان هست

که روابط بهبود پیدا کنند . اما آن بهبودی شرط آزاد شدن از درد نیست .


متی ۶: ۱۵، ۱۴ 

لوقا ۶: ۳۵-۳۸ 

چطور بخشیم؟

- این مهم است که بدانیم درد و بدهی بوجود آمده چیست .
۱ . درد و بدهی را نام ببرید . شما میتوانید آنرا بنویسید .
- سعی کنید به شرایط از دید شخص مقابل نگاه کرده و درک کنید . سعی کنید کسی را که به شما درد وارد کرده از دید خدا ببینید . (آیا شما هیچوقت از اشتباهی که انجام داده اید پشیمان شده اید؟)
- بخشش، بخشیدن چیزی به کسی است که لیاقت آنرا ندارد . این فیض است که دیگری را ببخشید . در حقیقت شما به شخص مقابل هدیه ای می دهید که لیاقت آنرا ندارد .
- به این فکر کنید که به شخص مورد نظر بگویید که چه چیز به شما درد وارد کرده . بطور واضح بگویید که او را بخشیده اید و بدهی او را نادیده گرفته اید .

تکلیف:

به خدا بگویید که شما آن شخص را میخواهید ببخشید و همچنین بگویید که چرا او را می بخشید . از خدا بخواهید که شما را از این شرایط شفا دهد . او میتواند شما را از هر دردی آزاد کند . 

۸➔۸ با مربی تان درباره آنچه در این درس آموخته اید صحبت کنید . برای او تعریف کنید که چه چیزی به یادتان آمده . با همدیگر ببینید که آیا عاقلانه هست که اقدام به بخشش و تصفیه حساب کنید . شما میتوانید چک بخشش بدهی را پر کنید و در دفتر خاطراتان بچسبانید ، تا بدانید که چه روزی بخشیده اید .

رهایی از تقصیر

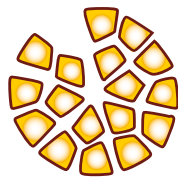
امروز تصمیم گرفتم اشخاصی را ببخشم از
نام و موضوع:

نام و موضوع:

نام و موضوع:

نام و موضوع:

تاریخ:



آیات

متی ۱۸: ۲۳-۳۵

۲۳ آنگاه افزود: «وقایع ملکوت آسمان مانند ماجرای آن پادشاهی است که تصمیم گرفت حسابهای خود را تصفیه کند. ۲۴ در جریان این کار، یکی از بدهکاران را به دربار آوردند که مبلغ هنگفتی به پادشاه بدهکار بود. ۲۵ اما چون پول نداشت قرضش را بپردازد، پادشاه دستور داد در مقابل قرضش، او را با زن و فرزندانش و تمام دارایی اش بفروشند

. ۲۶ ولی آن مرد بر پاهای پادشاه افتاد و التماس کرد و گفت: ای پادشاه استدعا دارم به من مهلت بدهید تا همه قرضم را تا به آخر تقدیم کنم.

۲۷ پادشاه دلش بحال او سوخت. پس او را آزاد کرد و قرضش را بخشید.

۲۸ ولی وقتی این بدهکار از دربار پادشاه بیرون آمد، فوری به سراغ همکارش رفت که فقط صد تومان از او طلب داشت. پس گلوی او را فشرد و گفت: زود باش پولم را بده!

۲۹ بدهکار بر پاهای او افتاد و التماس کرد: خواهش می کنم مهلتی به من بده تا تمام قرضت را پس بدهم.

۳۰ اما طلبکار راضی نشد و او را به زندان انداخت تا پولش را تمام و کمال بپردازد.

۳۱ وقتی دوستان این شخص ماجرا را شنیدند، بسیار اندوهگین شدند و به حضور پادشاه رفته، تمام جریان را بعرض او رساندند.

۳۲ پادشاه بلافاصله آن مرد را خواست و به او فرمود: ای ظالم بدجنس! من بخواهش تو آن قرض کلان را بخشیدم.

۳۳ آیا حقش نبود تو هم به این همکارت رحم می کردی، همانطور که من به تو رحم کردم؟

۳۴ پادشاه بسیار غضبناک شد و دستور داد او را به زندان بیندازند و شکنجه دهند، و تا دینار آخر قرضش را نپرداخته، آزادش نکنند.

۳۵ بلی، و این چنین پدر آسمانی من با شما رفتار خواهد کرد اگر شما برادران را از ته دل نبخشید

افسیان ۴: ۳۲

۳۲ و در عوض نسبت به هم مهربان و دلسوز باشید و یکدیگر را ببخشید، همانطور که خدا نیز شما را بخاطر مسیح بخشیده است

متی ۶: ۱۵ و ۱۴

۱۴ زیرا اگر خطاهای مردم را ببخشید، پدر آسمانی شما نیز شما را خواهد بخشید.

۱۵ اما اگر خطاهای مردم را نبخشید، پدر شما نیز خطاهای شما را نخواهد بخشید.

لوقا ۶: ۳۵-۳۶

۳۵ اما شما، دشمنانتان را محبت کنید و به آنها نیکی نمایید، و بدون امید عوض، به ایشان قرض دهید، زیرا پادشاهان عظیم است، و فرزندانشان خدای متعال خواهید بود، چه او با ناسپاسان و بدکاران مهربان است. ۳۶ پس رحیم باشید، چنان که پدر شما رحیم است.